

نفوذ پهلوی در ساختار جبهه ملی

۲ اسفند ۱۳۹۴ ساعت ۸:۳۰

در سالهای دهه ۲۰ شمسی محمدرضا پهلوی ارتباط وسیعی با چهره‌های سیاسی متمایل به غرب برقرار ساخته بود. در این میان جوانان از فرنگ برگشته که بعدها هریک در رشته‌ای از سیاست نام‌آور شدند، جایگاه خاصی داشتند. بختیار مدت زمان کوتاهی پس از ملاقات با شاه، اوایل ۱۳۲۵، در وزارت جدیدالتأسیس کار استخدام شد و سه سال بعد در ۱۳۲۸ ش. مدیرکل اداره خوزستان شد.

شاپور بختیار آخرین نخست وزیر حکومت پهلوی، در ۱۲۹۳ ش متولد شد. تحصیلات ابتدایی را در شهرکرد به پایان رساند. سپس در ۱۳۰۵ به اصفهان رفت و در این شهر اقامت گزید. پدرش - محمدخان بختیاری- وی را در ۱۳۰۹ در ۱۶ سالگی برای ادامه تحصیل به بیروت فرستاد. وی تحصیلات متوسطه را در مدرسه فرانسوی بیروت به پایان رساند و دیپلم ریاضی گرفت. پس از آن که پدر شاپور بختیار به جرم تشکیل یک قدرت منطقه‌ای از بختیاری‌ها دستگیر شد و در ۱۰ فروردین ۱۳۱۳ توسط قوای رضاخان اعدام شد، شاپور بختیار به تهران بازگشت و پس از سه سال توقف در ۱۳۱۶ برای ادامه تحصیل راهی پاریس شد. دوران ۸ ساله اقامت بختیار در پاریس تأثیر عمیقی بر خلق و خوی او داشت. تأثیری که توانست هویت فرانسوی را بر هویت ایرانی او غلبه سازد. بختیار در ۱۳۱۸ ش. با یک دختر فرانسوی ازدواج کرد و در ۱۳۱۹ پس از اشغال فرانسه توسط قوای هیتلر وارد دانشگاه سوربن شد و تحصیلات خود را در رشته حقوق ادامه داد. وی پس از دریافت مدرک دکترا، در ۱۳۲۴ بدون سه فرزند خود به تهران بازگشت و بلافاصله به حضور شاه جوان رفت.

در سالهای دهه ۲۰ شمسی محمدرضا پهلوی ارتباط وسیعی با چهره‌های سیاسی متمایل به غرب برقرار ساخته بود. در این میان جوانان از فرنگ برگشته که بعدها هریک در رشته‌ای از سیاست نام‌آور شدند، جایگاه خاصی داشتند. بختیار مدت زمان کوتاهی پس از ملاقات با شاه، اوایل ۱۳۲۵، در وزارت جدیدالتأسیس کار استخدام شد و سه سال بعد در ۱۳۲۸ ش. مدیرکل اداره خوزستان شد. بختیار در آبادان صاحب چهارمین فرزند خود شد. او برای تمامی فرزندان خود نامهای فرانسوی برگزید. گی، پاتریک، پوپال و فرانس، به ترتیب فرزندان وی هستند.

بختیار، یکسال و نیم مدیر کل اداره کار خوزستان بود و در ۱۳۲۹ به تهران بازگشت. در این سال به دنبال ازدواج محمدرضا پهلوی با یک دختر بختیاری به نام ثریا، کمیته‌ای از بختیاری‌های سرشناس کشور تشکیل شد که هدف آن به وجود آوردن یک تیم از سوارکاران چابک برای همراهی همیشگی شاه بود. این تیم «فدائیان شاه» لقب گرفت و آن کمیته متشکل از ۱۱ نفر از جمله شاپور بختیار بود. با این حال بختیار یک سال بعد از عضویت در این کمیته خارج شد.

بختیار در ۱۳۲۹ به حزب ایران که ۷ سال قبل از آن در سایه آزادی‌های سیاسی بوجود آمده از سقوط دیکتاتوری رضاخان و

توسط جمعی از تحصیلکردگان فرنگ رفته تشکیل شده بود، پیوست. با تشکیل دولت مصدق بختیار ابتدا به عنوان نماینده دولت برای رسیدگی به وضع کارگران خوزستان راهی این خطه شد و سپس معاون وزارت کار در دولت دوم مصدق و کفیل وزارت کار شد. عضویت بختیار در دولت با مخالفت با تعدادی از سران جبهه ملی مواجه شد که او را عامل «شرکت نفت انگلیس» می خواندند.

طبق اسناد به دست آمده از لانه جاسوسی امریکا، بختیار در ۱۱ آذر ۱۳۳۲ به دوتن از مقامات سفارت امریکا در تهران گفته بود، همکاری با انگلیسی ها فاجعه آمیز و همکاری با شوروی به معنای نابود کردن کشور است. ولی حمایت از ایالات متحده نمایانگر تنها امید ایران برای استقلال است. ۱

شاپور بختیار پس از کودتای ۲۸ مرداد، به جرم همکاری با سازمان نظامی حزب توده دستگیر و تا ۲۶/۱۰/۱۳۳۴ در زندان ماند و در دومین سازماندهی جبهه ملی که از ۳۰ تیر ۱۳۳۹ و به دنبال به قدرت رسیدن کندی در امریکا و فشار او بر شاه برای ایجاد رفرمهای سیاسی و اقتصادی شکل گرفت نقش فعالی داشت. سازماندهی جدید، آلت دست و تحت نفوذ مستقیم حکومت بود. بختیار یکی از مخالفین قیام اسلامی ۱۵ خرداد به رهبری امام خمینی (ره) است. می نویسد:

«... در سال ۱۳۴۱ جبهه ملی از جنبش خمینی پشتیبانی نکرد. در این تصمیم گیری من نقش داشتم. به هیچ قیمت نمی خواستم با سیستمی خود را مرتبط سازم که با پیشرفت و تحولی که ما تحسینش می کردیم، عناد داشت... با چهار رأی در مقابل سه رأی تصمیم گرفتیم که اعمال خمینی را به هیچ عنوان تایید و تقویت نکنیم...» ۲

در میان اسنادی که اکنون در دسترس ماست، سندی است که ملاقات شاپور بختیار را با یکی از مقامات ساواک در ۲۴ فروردین ۱۳۴۰ نشان می دهد. بختیار در این ملاقات اظهار داشت:

«... من در زندان به تیمور [منظور تیمسار سپهبد بختیار] گفته ام که نسبت به رژیم سلطنت علاقمند و وفادارم و فقط سلطنت است که موجودیتی برای این کشور ایجاد نموده و معلوم نیست اگر این رژیم از بین برود آینده مملکت چه خواهد شود و به کجا خواهد انجامید.» ۳

بختیار در سالهای دهه ۴۰ شمسی به پاس خدماتش در جبهه ملی دوم از مراسم خاص دربار برخوردار شد. او مدیریت تعدادی از شرکتهای بنیاد پهلوی و واسطگی برخی کمپانی های فرانسوی را برعهده داشت. او که در فراماسونری نیز عضویت داشت، تصدی شرکتهای بنیاد پهلوی را تا آغاز امواج انقلاب اسلامی ادامه داد.

بختیار با سقوط کابینه کوتاه مدت ازهارری در دی ۱۳۵۷ به عنوان آخرین نخست وزیر شاه، مأمور تشکیل کابینه شد. وی که به مدت بیش از ۳۰ سال در عین عضویت در جبهه ملی روابط پنهانی خود را با رژیم پهلوی حفظ کرد، یک سال قبل از احراز مسئولیت نخست وزیری همراه با چهره هایی مانند کریم سنجابی و داریوش فروهر در خرداد ۱۳۵۶ نامه سرگشاده ای به شاه نوشته و در آن خواستار فضای باز سیاسی در کشور شده بود. بختیار آخرین تیر ترکش شاه برای فرونشاندن انقلاب مردم ایران بود. نخست وزیری وی تنها ۳۷ روز دوام آورد. او طی این مدت کوشید تا با کمک امریکا، رژیم در حال مرگ پهلوی را نجات دهد. برای دستیاری او «هایزر» ژنرال چهار ستاره نیروی هوایی امریکا و معاون فرماندهی ناتو وارد تهران شد. یکی از مأموریت های هایزر جلب حمایت ارتش ایران از دولت بختیار و تحکیم مواضع آخرین امید شاه بود. ارتشبد حسین فردوست راجع به دوران کوتاه مدت نخست وزیری بختیار و اقدامات وی می نویسد:

«... دوران دولت بختیار کوتاه بود. ولی او در همین ۳۷ روز بیش از بسیاری نخست وزیران دوران پهلوی دزدی کرد. پرویز ثابتی از

طریق مأموران ساواک، که از سابق در محل‌های حساس نخست وزیری گمارده شده بودند، کسب اطلاع کرد که بختیار حدود ۶۰ میلیون تومان از هزینه سری نخست وزیری را به نفع خود برداشت کرده، که حدود ۱۰ میلیون تومان رابابت باخت‌های خود در قمار پرداخته و حدود ۱۰ میلیون تومان هم به منوچهر آریانا داده و بقیه را به جیب زده است. او این خبر را به من داد. ولی این دزدی بختیار در برابر خیانتی که او کرد هیچ است و آن لغو سفارشات وسایل نظامی با امریکا و انگلیس بود. مسلماً یکی از مأموریت‌های هایزر همین بود، زیرا واسطه لغو قرارداد باید نظامی باشد. جمع این سفارشات ظاهراً حدود ۱۱ میلیارد دلار بود که اکثر این وجوه به عنوان پیش قسط پرداخت شده بود. به نظر من، خیانت بختیار، شفقت (وزیر جنگ) و قره‌باغی (رئیس ستاد ارتش) در این مسئله بسیار بزرگ است و مسلم است که از این بابت حق و حساب کلانی در خارج به بختیار پرداخت شده است...»

بختیار در دوران کوتاه مدت نخست وزیری توطئه‌هایی نیز طراحی کرد. از جمله این طرح‌ها، انفجار هواپیمای حامل امام خمینی (ره) در مسیر بازگشت به تهران بود. با این حال امام در ۱۲ بهمن در دومین ماه حکومت لرزان بختیار و در میان بزرگترین استقبال تاریخ به ایران بازگشت و در همان ماه، مهندس مهدی بازرگان را به عنوان نخست وزیر دولت موقت برگزید.

روز جمعه ۲۰ بهمن، پس از نمایش فیلم ورود امام به تهران در تلویزیون، پرسنل نظامی پادگان نیروی هوایی به ابراز احساسات پرداخته و نیروهای گارد شاهنشاهی حاضر در پادگان به مخالفت با آنان پرداختند. این مخالفت سرانجام به درگیری مسلحانه میان آنان انجامید و لحظه به لحظه بر شدت و وسعت و تلفات آن افزوده شد. روز ۲۱ بهمن نبرد سرنوشت سازی میان مردم و نیروی هوایی از یک سو و سربازان گارد از سوی دیگر آغاز شد و نهایتاً در سپیده دم روز بعد منجر به شکست گارد و سقوط رژیم پهلوی و درهم پیچیده شدن طومار نظام شاهنشاهی در ایران شد.

با سقوط رژیم پهلوی، شاپور بختیار پس از یک دوره اختفا در تهران با حمایت دستهای مرموزی به خارج گریخت و عازم فرانسه شد. بختیار طی ۱۲ سال اقامت در فرانسه مورد حمایت کامل سرویس‌های اطلاعاتی غرب قرار داشت و با تغذیه کلان مالی فعالیت‌های توطئه‌گرانه علیه نظام نوپای ایران را از سر گرفت. از مهمترین این توطئه‌ها دخالت وی در کودتای نافرجام نوژه و طرح تجزیه خوزستان بود. طبق این طرح ارتش عراق می‌بایست در یک حمله سریع خوزستان را اشغال می‌کرد و بختیار «دولت آزاد» خود را در این خطه اعلام می‌نمود.

شاپور بختیار حدود ۱۲ سال به عملیات علیه نظام جمهوری اسلامی ادامه داد و سرانجام در ۱۵ مرداد ۱۳۷۰ در ویلای مسکونیش در حومه پاریس به قتل رسید. دولت فرانسه به دنبال وقوع این حادثه ابتدا جمهوری اسلامی ایران را متهم به ترور بختیار کرد و حتی برنامه سفر میتران رئیس جمهور وقت آن کشور به تهران نیز در پی این حادثه لغو شد. با این حال در مراحل بعد نیز فرانسوی‌ها نتوانستند این اتهام را به اثبات برسانند.

